

## اشغالگری در شعر امروزی عراق (از سال ۲۰۰۳م تا سال ۲۰۱۰م)

علی نظری، اسید محمود میرزایی الحسینی، نعمت عزیزی<sup>۳</sup>

### چکیده

اشغال عراق به دست نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا و انگلیس در ماه مارس ۲۰۰۳م، (فروردین ۱۳۸۲) حادثه مهم قرن حاضر، به شمار می‌رود که تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بزرگی را در پی داشت. بدون تردید، ادبیات، به ویژه شعر در این سرزمین، آینه خرابی‌ها، کشتار و هتک حرمت‌هایی است که اشغال این کشور از خود بر جای گذاشت. شاعران عراقی این دوره تلاش نموده‌اند تا پرده از چهره واقعی و درنده‌خوی اشغالگران بر دارند و اهداف اصلی آنان را از قبیل چپاول نفت و میراث سرزمین عراق که در پس پرده دموکراسی و آزادی و خدمت‌رسانی پنهان نموده‌اند، برای همگان آشکار سازند. در این میان شاعران از اسالیب و شیوه‌های بیانی مختلف، به ویژه رمز، و نماد بهره‌ای فراوان برده‌اند؛ لذا گاه گرگ را سمبل خون‌ریزی و قتل و گاه، خوک را رمز ویرانگری و تخریب و گاهی، شخصیت‌های منفور تاریخی مانند هولاکو، ابرهه و ابو رغال را مجسمه تمام‌نمای اشغال عراق معرفی می‌کنند. این مقاله تلاش می‌کند موضوعات فوق را در شعر عراق، بعد از اشغال (۲۰۰۳-۲۰۱۰م) تحلیل و بررسی کند.

کلید واژگان: اشغالگران- شعر معاصر- عراق

### ۱. مقدمه:

ادبیات در دوره‌های مختلف تاریخ بشر در خدمت جامعه بوده است تا با گونه‌های مختلف، زبان حال جامعه خود باشد؛ گاهی از زیبایی و وطنش می‌گوید و گاهی بر درد مردمانش می‌گریزد (شعبان، ۲۰۰۹) در سایه جنگ‌ها و ظلم‌هاست که هر قربانی‌ای به

---

۱. استایار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان alinazary2002@gmail.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

۳. کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

تاریخ دریافت: ۱۹/۱۱/۸۸ تاریخ پذیرش: ۳۰/۲/۸۹

متن یا حماسه ای تبدیل می شود و هر سطر بلکه هر ویرگولی در این حماسه، فریاد اعتراض در مقابل آن است (عبیدی، ۲۰۰۵: ۳) کشورهای عربی نیز در دوران معاصر شاهد جنگ ها، شکست ها و ناکامی های فراوانی بوده اند که این امر، نقش ادبیات را برای بیان کاستی ها، درد و رنج این ملت ها، بیش از پیش برجسته می کند. کشور عراق بعد از پشت سر نهادن دوره ای طولانی از تحریم ها، فقر و گرسنگی و ظلم حاکم دیکتاتور، صدام حسین معدوم، سرانجام در روز چهارشنبه ۲۰ مارس ۲۰۰۳ م. به اشغال نیروهای آمریکائی و هم پیمانانشان درآمد. این نکته خالی از لطف نیست که برخی از مورخان معتقدند که این حمله از دو جهت با حمله مغول به بغداد شباهت دارد:

۱. این تاریخ مصادف است با هفتم ماه صفرهجری قمری یعنی همان روز و ماهی که مغول ها در سال ۶۵۶ هـ. ق عراق را اشغال نمودند. ۲. نیروهای اشغالگر آمریکایی نیز همچون مغول ها بعد از بیست و یک روز نبرد با سپاهیان عباسی، توانستند عراق را در این مدت اشغال نمایند. (فتحی سلطان، ۲۰۰۷) به هر شکل این حادثه بزرگ قرن، ضربه ای روحی و فکری برای بسیاری از ادباء این کشور به شمار می رفت. (عبیدی، ۲۰۰۵: ۸) از آنجا که شعر در عراق نسبت به سایر انواع ادبی جایگاه رفیع تری دارد، بدیهی است که مسؤولیت آن در این برهه از زمان سنگین تر باشد. سرزمینی که به عقیده نزار قبانی، شاعرانش، از نخل هایش بیشترند (شعراء العراق اکثر من نخلیه) و به قول محمود درویش، عراقی بودن شرط ابداع شعری و عراق، زادگاه و خاستگاه شعر است «فکن عراقياً لتصبح شاعراً فالشعرُ یولدُ فی العراق» (نظری و عزیزی، ۱۳۸۸) و شعر مقاومت و ادبیات پایداری یکی از برجسته ترین انواع شعری است که در این کشور از آغاز قرن گذشته و پس از اشغال آن از سوی انگلستان، نزد شاعرانی همچون محمد مهدی جواهری، معروف رصافی، معروف عبدالغنی و... تجربه شد. (دلیمی، ۲۰۰۴) شاعران دوره اشغال اخیر نیز، در برابر این وضعیت پیش آمده، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ کردند؛ گروهی به انزوا گراییدند و گروهی دیگر در داخل عراق با اسامی مستعار ادبی،

فعالیت های سیاسی و مذهبی خود را ادامه دادند و علیه اشغالگری به مقاومت پرداختند. اما بیشترین حضور را در انعکاس اوضاع کنونی عراق و مقابله با اشغالگران، شاعران عراقی خارج از وطن برعهده دارند که تعلقات و وابستگی های حزبی و سیاسی آنان نسبت به شاعران داخل کشور، کمتر است. (عبیدی، ۲۰۰۵: ۴) در این مقاله قصد بیان انعکاس اقدامات نیروهای اشغالگر در شعر این دوره را نداریم، بلکه در پی پاسخی برای این سؤال هستیم که شعرای عراق، در این دوره چه رویکردی به اشغالگری دارند؟ و از همه مهم تر، چهره اشغال و اشغالگران در آیینۀ شعر این دوره، چگونه است؟

شایان ذکر است که نبود فضای سیاسی مناسب برای چاپ آثار این شاعران و فاصله زمانی اندکی که از اشغال عراق تا به امروز می گذرد، به همراه دلایلی دیگر، می تواند در انتشار اشعار و آثار آنها در پایگاه های اینترنتی، دخیل باشد. ارجاع به این منابع، به همراه دریافت آثار از طریق مکاتبات نگارندگان با صاحبان اثر از طریق پست الکترونیکی، تا حدودی در مقالات داخلی مرسوم نبوده و برای نویسندگان این مقاله مشکل ساز است. لکن شیوه نامه حاضر در روش ارجاع نویسی درون متنی، بیش از هر منبعی به شیوه نامه انجمن روان شناسی آمریکا (APA) نظر دارد. (نک: فتوحی، ۱۳۸۵: ۱۷) در این مجال چهره اشغالگری را در آیینۀ شعر شعرائی همچون یحیی سماوی، طارق حربی، عدنان صائغ، عارف ساعدی، حسن رحیم خرسانی و ... تبیین خواهیم کرد. و به تعبیر، رموز و شیوه هایی که شعراء به وسیله آنها سیمای واقعی اشغالگران را ترسیم نموده اند، می پردازیم. شایان ذکر است در پی بهره گیری از اشعار شاعر شهیر عراق یعنی احمد مطر نیز بودیم لکن اشعاری نیافتیم که موضع شفاف وی را در قبال اشغالگری اخیر نمایان سازد.

## ۲. چپاولگری و اشغالگران

بدون شک، کشورهای اقتدارگرا و استعمارگر، همواره در اشغالگری، اهداف متعددی را دنبال می کنند که اهداف مادی از مهم ترین آنها به شمار می آید. نگارندگان در مجال زیر برآند تا از خلال شعر عراق، پرده از اهداف واقعی اشغال سرزمین عراق بردارند.

## ۲-۱. چپاولگران نفت

یکی از مسائلی که بعد از تصرف سرزمین ها به دست بیگانگان در تمامی دوران به چشم می خورد، به استثمار کشیدن آن ملت و چپاول میراث آن سرزمین است. کشور عراق و سومین مالک ذخایر تایید شده نفتی کشورهای جهان است و ۱۱۵ میلیارد بشکه ذخیره تایید شده نفتی دارد. طبق نظر محمد علی زینی، اقتصاددان صنعت نفت عراق، میزان ذخایر تایید نشده نفتی این کشور بین ۲۱۵ تا ۲۴۰ میلیارد بشکه است (مشهدی رجبی، ۱۳۸۸) بر این اساس، به عقیده برخی از شعرای این دوره، نفت عامل اساسی طمع بیگانگان به کشور عراق است. یحیی عباسی عبود سماوی، یکی از شعرای پایداری است که به این موضوع اهتمام ویژه دارد. وی در سال ۱۹۴۹ در سماوه عراق به دنیا آمد و لیسانس ادبیات عرب را از دانشگاه مستنصریه این کشور گرفت. او مدتی را به تدریس و روزنامه نگاری در عراق و عربستان مشغول بود و در سال ۱۹۹۷ به استرالیا مهاجرت کرد. مهم ترین دیوان های شعری وی عبارتند از: عیناک دنیا (۱۹۷۰)، قصائد فی زمن السبی و البكاء (۱۹۷۱)، قلبی علی وطنی (۱۹۹۲)، من أغانی المشرّد (۱۹۹۳)، جرح باتساع الوطن (۱۹۹۴)، الاختیار (۱۹۹۴)، عیناک لی وطن و منفی (۱۹۹۵)، رباعیات (۱۹۹۶)، هذه خیمتی ... فأین الوطن (۱۹۹۷) و چند دیوان شعری جدید که بعد از اشغال عراق سروده است (نجار، ۲۰۰۹) این شاعر در قصیده "أخرجوا من وطنی"، اشغالگران را تاجران جنگ های نفت می داند که به چپاول و مکیدن نفت عراق (النفط والشّفط) می پردازد و در نتیجه، آنها را عاملان جنگ و کشمکش و همچنین سارقان قرص نان این ملت معرفی می کند: «حَرُّونا منكم الآن... / ومن زيفِ الشعراتِ / وتُجَارِ حروبِ «النفطِ والشّفطِ» / وأصحابِ حوانيتِ النضالِ سارقي أرغفة الشعبِ / أدلاءِ جیوشِ الإحتلالِ. . . / فأخرجوا من وطنی...» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۹) وی در قصیده "کل عصیر وله ربّ" و "هولاکو" جدید"، به یغما رفتن نفت عراق را به گونه ای متفاوت بیان می کند و به مقایسه اوضاع مردم عراق با اشغالگران می پردازد که به عنوان خدایان جنگ، بر سر بهترین سفره بهشت (عراق) می نشینند و آتش آن را به دامن

مردم عراق می افکنند: «لهم باسم اله الحرب / ما يفضّل من مائدة الجنّة / و النارُ لنا...! / و لهم ما تُكثّرُ الأرضُ من النفط / و عطفُ العتزو الزفتُ لنا...!»

از منظر این شاعر، سرمایه ها، منافع، محاسن و ثروت عراق، از آن اشغالگران و بدبختی ها، سختی ها و ناگواری های آن از آن مردم است. چنین به نظر می رسد که منظور شاعر از عطف العنز(آب بینی بز) و از الزفت(قیر) این است که اشغالگران، نفت پالایش شده و خالص را به یغما می برند و ناخالصی های آن را (قیر) که باعث آلودگی و پیامدهای منفی است، بر جای می گذارند. سماوی در نودمین قصیده از (مسیحة من خرز الكلمات) در خصوص نفت و چپاول آن و نا برخورداری صاحبان اصلی آن چنین می گوید: «ماذا يغويك عاشق / لا يملك من "بحر نفط الوطن" / لترا واحدا لفا نوسه / في الوطن المعروض للإيجار» (با چه چیزی عاشقی، تو را فریفته / که از دریای نفت و طنش / تنها یک لیتر را برای فانوسش در اختیار ندارد / در وطنی که برای اجاره، به نمایش گذاشته شده است) (سماوی، مسیحة من خرز الكلمات، ۲۰۰۸: ۹۷)

طارق حربی، یکی دیگر از شعرای عراق، نفت این کشور را یکی از عوامل رنج مردم و به طمع افتادن آمریکایی ها می داند. این شاعر در سال ۱۹۵۷ در شهر ناصریه، جنوب عراق، به دنیا آمد. حضور اجباری وی در جنگ ایران و عراق در شرق بصره و سر پل ذهاب، تأثیری بزرگ بر اشعار وی بر جای گذاشته است. وی از سال ۱۹۹۳ در نیروژ اقامت گزیده است. مهم ترین آثار وی عبارتند از: حرب ۸۰، شرع الجنوب، عشرة فی الحرب و عشرة فی تیه البحر (حربی، ۲۰۰۹) طارق حربی تحت تأثیر زندان مشهور و دلخراش ابو غریب در قصیده ای با همین نام، با اشاره به مشعل های خاموش پالایشگاه ها، بی نصیبی مردم عراق از نفت خود را متذکر می شود: «علی قلی / آثار هراوة {باتوم، جهاق} آمریکية الصنع / أشرعی الأبواب یا أمة مسحولة {رنده شده} / من شَعرها / من تاریخها و زیف حیاتها / من نفطها / حیث الحرائق و مشعلیها صامتین / من یدها القصيرة» (حربی، شرع الجنوب، ۲۰۰۴: ۳۹) وی در ادامه، ادعای آمریکایی ها مبنی بر به ارمغان آوردن دموکراسی برای مردم عراق را، تنها ابزار و بهانه ای برای دست یافتن به نفت این کشور معرفی می کند: «خدایا آمریکا از کجا آمد!!؟ / با سگان عو عو کنان و

گاز گیر / با پدافند سنگین / با بی قانونی و دموکراسی / که هنوز در گرو وزارت نفت است» (همان)

رویکرد شاعران زن نیز در این دوره حائز اهمیت است. در این میان از ماجده سلمان محمد می توان نام برد. وی از متولدین ۱۹۶۸ م شهر بغداد است که در سال ۱۹۹۱ از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه بغداد فارغ التحصیل شد. از مهم ترین آثار وی می توان به رحیل الیمام، تهذبات نخلة و دیوان قلبان فی جوفی اشاره نمود. وی هم اکنون در عراق اقامت دارد. (سلمان محمد، ۲۰۱۰) این شاعر در قصیده " نداء"، در کنار ترسیم چپاولگری اشغالگران و با اشاره به تجزیه شمال عراق، از آنان چهره ای تفرقه انداز نیز به تصویر می کشد: « ای بهشت خدا در روی زمین .../ خاکت را بالش قرار دادند/ از دجله نوشیدند/ و خرمایت را بلعیدند/ و رفتند... و تو را تنها با سختی هایت رها کردند. . / و بر سفره ی گفتگوه ها / گوشت سرد را / با خون سرد تناول کردند / همه ی نفت را نوشیدند حتی ته مانده آن را / آنگاه بقایای زائدش را سوزاندند / تا آثار جنایت را پنهان کنند / و همچون قاچ شیرینی / قطعه ای از نقشه پاره پاره ی سرزمینت را میل کردند و شمالت را از تو گرفتند» (سلمان محمد، تهذبات نخلة، ۲۰۰۷:۹۸) ماجده سلمان در ابیات فوق، نقشه عراق را به کیک شیرینی، تشبیه نموده است که این اشغالگران که بر سر سفره مذاکرات گرد هم آمده اند و کردستان عراق را به عنوان قطعه و لقمه ای شیرین، از این کیک (عراق) جدا کرده اند.

## ۲-۲. چپاولگری میراث ملی

شاعران این دوره، نیروهای اشغالگر را فقط چپاولگران نفت معرفی نمی کنند، بلکه بر این باورند که علاوه بر آن، به تاراج دیگر سرمایه های ملی عراق و حاصل دست رنج مردم نیز می پردازند. در قصیده دهم از سلسله قصاید (نقوش علی جذع نخلة)، یحیی سماوی مردم عراق را گاهی به چرخ آبکشی که بر گرفته از سنت و تمدن دیرینه عراق است، تشبیه می نماید که شلاق اشغالگران، قاتلین و مزدوران به دور آن می پیچد و از چاه ثروت و ذخایر عراق به تاراج می برند: کأنا الناعورُ {چرخ آبکشی از چاه} / نَدورُ

حول نَفْسِنَا... / وحوَلْنَا يَدورُ ظ بسوطِهِ المَحْتَلُّ... والقَاتِلُ.. والمَاجورُ(سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۱۱) و گاهی دیگر آنان را به تنوری تشبیه می کند که نان آن را اشغالگران، قاتلان و مزدوران می خورند و خود با بیشترین زحمت به کمترین چیز آن یعنی خاکستر، قناعت می ورزند: كَأَنَّا التَّنُورُ / نَقْنَعُ بِالرَّمَادِ مِنْ وَجَانِنَا {احاق، بخاری} / وخبزْنَا يَأْكُلُهُ المَحْتَلُّ.. والقَاتِلُ.. والمَاجورُ (همان)

"هل هذه بغداد؟"، عنوان قصیده دیگری از یحیی سماوی است که در آن اشغال عراق را به بهانه آزاد سازی، ضیافتی برای غارتگران دنیا می داند که باعث شده تا همه آنان برسر این سفره میهمانی، گرد هم بیایند و به غارت عراق بپردازند: فاذا بتحریر العراقِ وليمَةً / حَفَلَتْ بما في الأرضِ من سُراقِ (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۶۳) عارف حمود سالم، از دیگر شعرای این دوره است. وی، متولد ۱۹۵۷ در بغداد و رئیس اتحادیه شاعران جوان بغداد و عضو اتحادیه ادیبان و نویسندگان عراقی است. مهمترین آثار وی عبارتند از: رحلة بلالون، عمره الماء (ساعدی، ۲۰۱۰) عارف ساعدی از دیگر شعرای عراق است که در قصیده "اقترفت العراق"، به تاراج عراق، حيله گری و دروغ و فریب بیگانگان اشاره می کند و معتقد است که اگر احوال سرزمینم را از آنان جویا شوی، پاسخ آنان هزار بار گناه و یک توبه خواهد بود:

سرقوا غيمنا فقيل جفاف	و صرخنا فلملموا الأمطارا
يا سموات هل رأيت الغياري	أكلوا قمحنا و صلوا سكارى
و اذا ما سألتهم عن بلادي	ندموا مرة و عاثوا مرارا

(ساعدی، ۲۰۰۹: ۸۳-۸۲)

حسن رحیم خرسانی نیز همچون طارق حربی، دموکراسی و به ارمغان آوردن آزادی برای مردم عراق را بهانه ای برای چپاول و سرقت آفتاب عراق می داند. وی در قصیده "اخيراً منحنى النقاد وسام النيسان"، در این باره می گوید: تحت شمس العراق / كتبوا ديمقراطياتهم / ثم سرقوا الشمس!!..(خرسانی، صمتی جمیل یحب الکلام، ۲۰۰۶: ۵۹)

### ۳. توحش و اشغالگری

یکی دیگر از چهره‌هایی که شاعران عراقی از نیروهای اشغالگر ترسیم می‌کنند، نسبت دادن خوی حیوانی و توحش به آنان است. یحیی سماوی، خون آشامی و وحشی‌گری جورج بوش پسر را در قصیده "من تمثال الحرية فی نیویورک" این‌گونه بیان می‌کند:

فأجیال الغد لابد أن تكون أحسن حالاً / مادام أن الغد / لن یشهد ولادة وحشٍ جدید / اسمه: جورج بوش الحفید!! " (سماوی، شاهده قیر من رخام الکلمات، ۲۰۰۹: ۸۱) وی بهبود حال نسل آینده را مشروط به متولد نشدن فرزند بوش پسر، که وارث خوی پدر است و شاعر آن را بوش نوه نامیده است، می‌داند. حیوانات درنده خو، نمادها و رمزهایی هستند که شاعران این دوره از آنها برای نشان دادن خون آشامی و ویرانگری اشغالگران استفاده کرده‌اند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

### ۳-۱. گرگ:

شاعران این دوره با بهره‌گیری از گرگ، به عنوان رمز و نمادی برای درندگی و توحش سعی دارند تا شدت قتل، کشتار و خونریزی به دست نظامیان اشغالگر در عراق را ترسیم نمایند. یحیی سماوی از آن دسته از شاعرانی است که در جای جای مجموعه‌های شعری خود، نظام دیکتاتوری صدام حسین مستبد را بدترین نظام‌ها و اشغالگران را بدتر از آنها می‌داند و به مبارزه و دعوت مردم به قیام علیه آنان و بیرون راندنشان از سرزمین عراق، می‌پردازد (أرنا ووط، ۲۰۰۷) او در قصیده "اخرجوا من وطنی" این مسأله را این‌گونه بیان می‌کند: نحن لا نستبدل الختیر بالذئب / ولا الطاعون بالسُّل / وموتاً بالجُدام / فاخرجوا من وطنی (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۸) وی در این قصیده، وحشی‌گری و درندگی نیروهای اشغالگر را به گرگی تشبیه می‌کند که مردم عراق، راضی به جایگزینی آن به جای بعضی‌های خوک صفت ویرانگر، نیستند و هر دو را همچون بلاهایی مهلک به تصویر می‌کشد و در نهایت امر به خروج آنها از وطنش می‌کند. او از میان حیوانات مختلف، گرگ را بر می‌گزیند تا شدت قتل و کشتار در عراق را نشان دهد چرا که گرگ، آن هنگام که به گله‌ای حمله ورشود،



هرآنچه را که می تواند می درد. شاعرمی کوشد تا از این طریق چهره ای درنده خو، حریص و سیری ناپذیر از اشغالگران ارائه دهد. یحیی سماوی در قصیده "اباء"، روحیه انقلابی خود را میراثی از نخل - که برای شعرای مقاومت، نماد جنبش، و انقلاب است - می داند و ضربان قلبش را همچون شمشیری بر کمر کسانی می بندد که در عراق به مبارزه با اشغالگران درنده خوی می پردازند: النخلُ قَلَدِي رَفِيْفَةٌ / وَأَنَا أُقَلِّدُ نَبْضَ قَلْبِي لِلذَّيْنِ / يِقَاتِلُونَ الذُّبَّ فِي الْبُسْتَانِ... (همان: ۸۴-۸۳) طارق حربی نیز در قصیده "البعثيون الفاشيون"، گرگ را در کنار درندگی، به عنوان نمادی از شهوت و تجاوز به ناموس معرفی می کند: «چشمانم را بر خوایی زخمی بستم / و از تبعیدگاهم، له له و نفس نفس گرگان در پوست بشر می شنوم / و از پنجره ام فریاد می زنم لیک کسی فریادم را نمی شنود / سوگند می خورم که وطنم هرگز منزلگه هرزه گران و روسپیان نخواهد شد» (حربی، عشرة في الحروب و عشرة في تيه البحر ۲۰۰۷ : ۲۰) شایان ذکر است که در ادبیات مقاومت فلسطین نیز اصطلاحات نمادینی همچون تاتار، گرگ و دزد وجود دارند که بر خطر، خشونت، شیطنت و نابودگری اشغالگران اسرائیلی دلالت دارند. (سلیمان، ۱۳۷۶ : ۱۸۶)

## ۲-۳. خوک

خوک وحشی، حیوانی است که اغلب به صورت گروهی به مزارع بکر هجوم آورده و در پی ریشه گیاهان تمام مزرعه را ویران می کند. بیشتر شاعران این دوره برای ترسیم چهره ای ویرانگر از اشغالگران، آنها را به خوک هایی تشبیه می کنند که به بوستان عراق هجوم آورده اند و زیبایی و ثمر دهی آن را ویران نموده اند.

عدنان صائغ متولد سال ۱۹۵۵ در کوفه از شعرایی به شمار می آید که از نقاب برای ترسیم چهره واقعی اشغالگر بهره گرفته است. وی عضو اتحادیه ادبای عراق و عضو سندیکای روزنامه نگاران عراقی، عربی و جهانی و همچنین عضو باشگاه بین المللی قلم در سوئد است. در سال ۱۹۹۳ عراق را به مقصد عمان ترک کرد؛ سپس در سال ۱۹۹۶ به بیروت و از آنجا به لندن رفت و تا سال ۲۰۰۴ در آنجا اقامت گزید. وی از سال

۲۰۰۴ تا به امروز در لندن ساکن شده است. از مهم‌ترین جوایز وی: جایزه جهانی هیلمان هامیت برای ابداع و آزادی بیان در سال ۱۹۹۶ از نیویورک HELLMAN HAMMETT، جایزه جهانی شعر در سال ۱۹۹۷ در روتردام INTERNATIONAL AWARD POETRY، جایزه سالانه اتحادیه نویسندگان سوئدی در سال ۲۰۰۵ در مالمو. مهم‌ترین آثار چاپ شده وی عبارتند از: ۱- انتظربنی تحت نصب الحریة ۱۹۸۴ / أغنیات علی جسر الکوفة ۱۹۸۶ / العصفیر لا تحب الرصاص ۱۹۸۶ / سماء فی خودة ۱۹۸۸ و ... (الموسوعة العالمية للشعر العربی: ادب و وب سایت شخصی، ۲۰۱۰) این شاعر، عراق را به باغی زیبا تشبیه می‌کند و خوک‌های وحشی (خنزیر) را به عنوان نمادی برای اشغالگران برمی‌گزیند تا از این طریق شدت نابودگری و ویرانگری آنان را در عراق نشان دهد. وی در قصیده "الی کافایس و نفسی"، اگر چه به طور مستقیم لفظ (خنزیر) را به کار نبرده است اما قرینه‌های موجود «حرث» و «اسنان» که از لوازم و ملائمت «خنزیر» بوده است، این لفظ را به ذهن تداعی می‌کند: «من چه اندیشه کنم؟ / بربرها اکنون آمدند / از خانه (سرزمینم) همه چیزش را غارت کردند / باغ را با دندان‌هایشان شخم زدند / و کلنگ‌ها و ابزار تخریب و آثار جرمشان را در بیابان‌ها بر جای گذاشتند / و بر روی سنگ، نامشان را به یادگاری نوشتند / و گرد من دیوارها بنا کردند بلند / و بلند» (صانع، و، بی تا: ۱۹-۲۰) عدنان، اشغالگران را همچون بربرهایی می‌داند که امروز وارد عراق شده‌اند و هرآنچه را که در آن بوده، غارت کرده‌اند. یحیی سماوی در قصیده "فی وطن النخیل"، معتقد است از آنجایی که عصر حاضر، عصر جنگل است، چیدن گیاهان خدا در محراب، توسط خوک صفتان، امر عجیب و غیرمنتظره‌ای نیست و با توپ و تانک، دق‌الباب (در زدن)، مناسب و شایسته این دوران است: فی وطن النخیل / یحقی للخنزیر أن یحصدَ بالرصاص / عشبَ الله فی المحراب / یحقی للمدفع أن یطرقَ کلَّ باب / ما دام أن العصرَ عصرُ غاب (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۵۳) وی با ذکر "فی وطن النخیل" ارتکاب این امور را صرفاً منحصر عراق می‌داند. این شاعر عراقی، در یکی از زیبا ترین قصاید خود در هشتادمین قصیده از دیوان "مسیحه من خرز الکلمات"، عید خود را زمانی می‌داند که بستان وطنش از وجود خوک‌های اشغالگر، پاک شود: لا

علاقة لأعيادى برؤية هلال فى سماء / و اوراق تقويم على جدار / العيد عندى : / أن يملك كلُّ طفلٍ : / الدُّمِيَّةَ ... الأُرْجُوحةَ .... الحَقِيبةَ المدرسيةَ / و كلُّ عاشقٍ : / مِنْدِيلَ مَسْرَتِهِ ... قِيتارَتَهُ ... و حديقة نجواه / أن تكفَّ نواعيرُ الدم عن الدوران / و تغدو أرغفة الجياح أكبرَ من الصَّحنِ / و الصَّحنُ أكبرَ من المائدة / و أن يتطَهَّرَ بستانُ الوطنِ / من خنازير الاحتلال (عيد من هیچ ارتباطی با رؤیت هلال ماه / و برگ های تقویم بر روی دیوار ندارد) / عید من روزی است که هر کودکی داشته باشد: / یک عروسک ... یک تاب ... یک کیف مدرسه / و هر عاشقی داشته باشد: / دستمال شادی... / گیتار ... و باغ نجوا / عید من روزی است که چرخ آسیای خون از حرکت باز ایستد / و قرص نان گرسنگان بزرگتر از بشقاب / و بشقاب بزرگتر از سفره باشد / و بوستان و طن پاک شود / از خوکان اشغالگر) (سماوی ، مسیحة من حرز الكلمات ، ۲۰۰۸ : ۸۶)

## ۲-۳ سایر حیوانات

آنجا که شاعر می خواهد شدت قتل و کشتار را به تصویر بکشد، گرگ را به عنوان نمادی از درنده خوئی اشغالگران قرار به کار می برد و هر جا که از ویرانی ها و خرابی ها سخن می گوید، خوک وحشی را به عنوان رمزی برمی گزیند تا به اشغالگرانی اشاره کند که به باغ و مزرعه زیبا و آباد عراق هجوم آورده، آن را به خرابه ای مبدل کرده اند. علاوه بر این حیوانات، می توان حیوانات دیگری در اشعار برخی از شعرای این دوره مشاهده کرد که در راستای نشان دادن خصیصه های دیگری از اشغالگران و ترسیم درد و رنجی که عراق امروز با آن دست و پنجه نرم می کند، از آن بهره گیری می نمایند. به عنوان مثال، یحیی سماوی در قصیده "نقوش علی جذع نخلة" می کوشد تا فقر و گرسنگی مردم عراق را بیان کند. وی اشغالگران را ملخ هایی می داند که به مزرعه عراق هجوم آورده، هر چیزی را می بلعند و چیزی بر جای نمی گذارند، سپس گرسنگان سرزمین رافدین (دو رود دجله و فرات، عراق) را به اتحاد فرا می خواند و تا آن را از وجود این ملخ صفتان پاک کنند و در آینده فرزندان و نوادگان شان گرسنه نمانند: «كلُّ الجرادِ البشريِّ الآنَ في بغدادٍ / فَيَا جِياعَ الرافدينِ اتَّحدوا / وَنَظَّفُوا الحقلَ من

الجَردُ / کي لا يجوعُ في الغدِ الأبناءُ و الأَحفادُ / فَإِنَّ تَأْمِينَ رَغِيفِ الخبزِ / فَرَعٌ من فروعِ شِرْعَةٍ الجهادِ» (تمام ملخ های بشری اکنون در بغداد است / پس ای گرسنگان رافدین به هم پیوندید / و مزرعه وطن را از ملخ ها پاکسازی کنید / تا فردا فرزندان و نوادگان شما گرسنه نماند / زیرا به امانت گذاشتن قرص نان / بخشی از وظایق جهاد و جهاد گران است) (السمای نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶ : ۱۰۷) در این قصیده می توان دعوت به اتحاد، مبارزه و جهاد را به همراه آینده نگری و پایبندی شاعر به نسل آینده مشاهده نمود. اما عدنان صائغ نیز، موضوع گرسنگی و فقر را در قصیده "مطر بلندن" به گونه ای دیگر به تصویر می کشاند و اشغالگران را به کلاغ هایی تشبیه کرده است که مزارع مردم گرسنه را غارت و ویران نموده اند: «یا مطراً یشخبطنی {ناخوانا، بد خط نوشتن} علی الأوراق، کیف ألمني؟ / وطناً تناهيه الطغاة / أو الغزاة / أو الظلاميون / أو فقل ما شئت: شعباً جائعاً وحقوله عاثتُ بها الغربان...» (صائغ، و، بی تا: ۱۱) البته به عقیده شاعر، چپاول و طغش تنها توسط اشغالگران مهاجم غاصب نیست بلکه بدخواهان سیاه دل (الظلاميون) که سعی دارند از اوضاع ایجاد شده بهره ببرند، نیز در این عمل شریک هستند و شاید به همین علت کلاغ را به شکل جمع آن (الغربان) آورده است نه مفرد (غُراب). این شاعر در قصاید دیگرش نیز نوعی از کلاغ را به نام (ابن ژریق: جی جاق، زاغ کبود) به عنوان رمز به کار برده است. (نک: صائغ، بی تا، ص ۱۹)

#### ۴. صورتک های ویرانگر

در ادبیات عربی از صورتک ها، به قناع (نقاب) تعبیر می شود و از آن تعاریف متعددی ارائه شده است. صلاح عبد الصبور، نقاب را فنی می داند که در آن شخصیات میراثی در اختیار شاعر قرار می گیرند و شاعر آنها را همچون نقابی بر می گیرد تا از لابه لای آن ها، افکار خود را بیان نماید. (صدقی و عبدالله زاده، ۲۰۰۹: ۱۴۱) احسان عباس نیز تعریفی نزدیک به نظر صلاح عبد الصبور ارائه می دهد: «در قناع، شاعر شخصیات تاریخی را برمیگزیند تا از لابه لای آنها رویکردی را که می خواهد، اتخاذ نماید یا اینکه کاستی های زمان خود را بیان کند» (عباس، ۱۹۹۸: ۱۲۱) البته تفاوتی که از این دو تعریف

برداشت می شود این است که صلاح عبدالصبور، قناع را در شخصیات میراثی تعمیم می دهد و احسان عباس آن را به شخصیات تاریخی منحصر می گرداند. چنین به نظر می رسد که تعریف صلاح عبدالصبور کامل تر باشد، چرا که شخصیات میراثی، خود دربردارنده شخصیات تاریخی، اسطوره ای، ادبی و... است. شاعر عراقی نیز در این دوره از حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور خود، نقاب های متفاوتی را برمی گزیند تا بتواند معانی مختلفی را به وسیله آنها بیان کند. از مهم ترین این نقاب ها می توان به شخصیت های مثبت و منفی زیر اشاره کرد: شخصیت های مثبت و تاریخ ساز: امام حسین (ع)، مریم عذرا (س)، عیسی (ع)، عمار بن یاسر، بلال حبشی، ابو ذر الغفاری، صلاح الدین ایوبی و... شخصیت های منفی، منفور و ویرانگر تاریخ مانند: ابرهه، هولاکو، و ابورغال، معاویه، یزید و .... ما در این مقاله تنها به بیان و بررسی نقاب ها و صورتک های ویرانگر و منفور می پردازیم. شاعران این دوره توانستند از پس چهره ی این شخصیت ها، سیمای وحشیانه و ویرانگر نیروهای اشغالگر را به خوانندگان نشان دهند.

#### ۴-۱. هولاکو

سرزمین اعراب در سال ۶۱۷ هـ ق مورد تاخت و تاز تاتارهایی قرار گرفت که از سرزمین چین به این مناطق هجوم آوردند (غریبی: ۱۴) و در سال (۱۲۵۸ م. / ۶۵۶ هـ) وارد شهر بغداد شدند و به قتل عام مردم و خلیفه عباسی پرداختند. (فاخوری، ۱۳۸۳: ۸۶۰) فتح بغداد توسط هولاکو، آغاز سلسله ای از درد و رنج ملت عراق به شمار می رفت. (غریبی، ۲۰۰۴: ۱۴) دکتر طارق فتحی سلطان در سمیناری که گروه تاریخ دانشگاه موصل به مناسبت سومین سالروز اشغال عراق به دست نظامیان آمریکایی، برگزار کرده بود، مقاله ای را با نام "قراءة في أسباب سقوط بغداد على يد المغول عام ۶۵۶هـ/۱۲۵۸م" ارائه کرده است که در آن به بررسی و مقایسه اشغال عراق از سوی نیروهای مغول با نیروهای آمریکایی می پردازد. وی زمان آغاز هجوم هر دو به خاک عراق را روز چهارشنبه، هفتم ماه صفر می داند و معتقد است که در هر دو جنگ،

عراق بعد از بیست و یک روز به اشغال کامل در آمده است. (فتحی سلطان، ۲۰۰۷)

هولاکو چنان خرابه‌ای از خود بر جای گذاشت که اعراب در طی قرون بعد از آن، این شخصیت را به عنوان نقابی برای نشان دادن تهاجم و وحشی‌گری برگزیده‌اند. در این دوره نیز عده‌ای از شعرای عراق، این شخصیت را نقابی برای نشان دادن چهره واقعی اشغالگران قرار داده‌اند. یحیی سماوی در قصیده "کلُّ عصرٍ و له "ربُّ و"" هولاکو" جدید "هولاکو را نماد رمز از آمریکا و اشغالگران قرار داده است و آنها را هولاکوی دنیای معاصر معرفی می‌کند: «کلُّ عصرٍ / وله "ربُّ" و "هولاکو" جدید / فَلَمَنْ جِئِشَتْ الخوذةَ آمریکا / وأرست سُفنا؟ / ألكی يُصبحُ حُرّاً بیئنا / و "سعیدا" غدنا / یا ابا ذرَّ الغفاریّ ألا قمتَ بنا؟ (سماوی، البکاء علی کف الوطن، ۲۰۰۸: ۴۳) زهیر هدله نیز در قصیده‌ی زیبا، اثر گذار و موسیقیایی "البراعمُ تموت... حاملة" ضمن اشاره به قتل کودکان بی‌گناه (براعم)، برای ذکر عوامل این قتل‌ها، به هجوم هولاکو به سرزمین‌های عربی و لشکرکشی آنها و زیان‌هایی که به مردم رساندند، اشاره می‌کند و از آن برای اوضاع جاری عراق نقابی برمی‌گزیند تا لشکرکشی نیروهای اشغالگر به خاک عراق را به تصویر بکشاند: «کَلِّما جازت ثلاثاً / بُرْعُمُ {جوانه، شکوفه} أَطْبَقَ حَفْنِیه علی الحُلْمِ و مات / عقربُ الدقاتِ بِمِشی / رهن أناتِ الفرات / یا نبیَّ الشرقِ لا تُحجَلِ فَإِنَّ الشرقَ مات / عند ما یزحف هولاکو باذنٍ من قریش / ثم یعثو فی قریش (هدله، ۲۰۰۶: ۳۶) شاعر در این قصیده به همدستی گروهی از اعراب وطن فروش در حمله هولاکو به سرزمین‌های عربی اشاره می‌کند و از آن برای بیان سرزنش مردمان قوم عرب که امروز به همدستی با نیروهای اشغالگر در صدد اشغال عراق بر آمده‌اند، استفاده نموده است: «یا نبیَّ الشرقِ لا تُحجَلِ فَإِنَّ الشرقَ مات / عند ما یزحف هولاکو باذنٍ من قریش / ثم یعثو فی قریش» (ای پیامبر شرق، شرمسار مشو زیرا شرق مرد / هنگامه‌ای که هولاکو با اجازه‌ی قریش حمله می‌کند / و در میان قریش تباهی و فساد بیار می‌آورد). (همان). یحیی سماوی در قصیده "نقوش علی جذع نخلة" با زهیر هدله هم عقیده است و ضمن برگزیدن تاتارها به عنوان نقابی برای نیروهای اشغالگر، به بیعت ممالیک عرب با آنها اشاره می‌کند: کان اللیلُ یشدُّ بالنهار / مهاجراً من دوننا أنصاراً / مُنْقَباً فی مُدن الریبة عن یا قوته الحکمة /

تستفزه الریح فیستهزیء بالاعصار / و بالممالیک الذین بايعوا التتار (سماوی نقوش علی جذع نخله،  
۲۰۰۶ : ۱۳۳-۱۳۲)

#### ۴-۲. ابرهه

ابرهه بن صباح اشرم حبشی یکی از شخصیات تاریخی است که نام او یادآور "عام الفیلی" است که وی در آن سال به کعبه هجوم آورد و قصد ویران نمودن آن را داشت و خداوند او و سپاهش را هلاک نمود (نک: الطبرسی، ۱۹۹۵: ۴۴۲/۱۰-۴۴۸) در قرآن کریم این موضوع در سوره "الفیل" به وضوح آمده است. شاعران عراقی در این دوره، ابرهه را به عنوان نقابی به کار گرفته اند تا بتوانند، هدف خصمانه و اندیشه ویرانگرانه اشغالگران را نشان دهند. دکتر ابراهیم خزعلی در قصیده "ابرهه"، تصویری آرام از پایتخت های عربی ارائه می دهد که ابرهه قصد بر هم زدن این آرامش را دارد: «بیروت عروس دریا/ و دمشق کبوتر صلح و آرامش / قدس مأذنه و صلیب / و بغداد ام الدنيا / چرا ابرهه در بوق و کرنا می دمدم... / آیا پنداشته است که کعبه در بیروت است / یا در شام یا بغداد / آیا گمان می برد که خداوند خانه اش را ترک و رها کرده است / و ابابیل در شعله های صحراء مرده اند» (خزعلی، ۲۰۰۸، قصیده ابرهه الحوار المتمدن، العدد ۲۲۰۰، ۲۳/۲/۲۰۰۸) وی در این قصیده، تمام عناصر واقعه حمله ابرهه به کعبه را برمی شمارد تا در لابه لای آن بتواند افکار خود را بیان کند ابراهیم خزعلی در این ابیات، سرنوشت ابرهه را برای اشغالگران قدس و عراق و کشورهای عربی پیش بینی می کند و نیروهای مقاومت و کودکان مبارز غزه و بیروت و دمشق و بغداد و موصل و بصره و ابزار جنگی آنان را که سنگ و فلاخن است، طیر ابابیل و حجاره سجیل می خواند: «یا ابرهه الحیثی إرجع / یا ابرهه الأشرم عُد / عُد من حیث أتیت / بالأمس شهدت ابابیل / و حجاره من سجیل / و الیوم اطفال ابابیل فی غزه / و حجاره من سجیل / و اطفال فی بیروت و دمشق / و اطفال فی بغداد / ولنا اطفال فی الموصل و البصرة / أعیننا جمرات من سجیل / ولنا اجساد من نار / فکل الطرقات مغلوقه / و الأرض سماء نجعلها / ترمیکم بالأحجار و بالنار / فإن کنا لائملک / فیله و حیوش جراره / کلنا زرعنا الأرض نزیعاً و جراهات» (ای ابرهه ی حبشی برگرد /

ای ابرهه ابن اشرم برگرد / از همان جا که آمده ای برگرد / دیروز شاهد { مرغان } ابابیل بودی / و شاهد سنگهای سجیل / و امروز کودکان ابابیل / و سنگهای سخت سجیل در غزه اند / و کودکانی در بیروت و دمشق / و کودکانی در بغداد / و ما نیز کودکانی در موصل و بصره داریم { از همان سنخ و جنس } / چشمانمان سنگ‌هایی آتشین از سجیل اند / و بدن‌هایمان از آتش / پس { بدان و برگرد } زیرا همه راه‌ها بسته است / از زمین، آسمان می‌سازیم / و از بالا سنگ‌ها و آتش‌ها بر سرتان می‌ریزیم / گرچه ما / فیل‌ها و سپاهیان عظیم نداریم / لکن همه ما در زمین، سلاح و شرّ و مقاومت و درگیری کاشته ایم) (همان) ابرهه، ابابیل، حجاره، سجیل و فیل از عناصر این حادثه تاریخی محسوب می‌شوند که شاعر، آنها را در شعر خود گنجانده است؛ اما آنچه که در این حادثه، در خور اهمیت است، وجود شخصی است به نام «ابورغال» است که اهل تمیم و راهنمای ابرهه در این لشکرکشی بود و در میان راه مرد (ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق: ۱۱ / ۲۹۱) دهخدا در باره این شخصیت چنین می‌گوید: «ابورغال . [ ا ر ] (اخ) گویند آنگاه که ابرهه بن صباح صاحب الفیل بخراب کردن مکه می‌شد ابورغال دلیل و بلد حبشه بود و وی در راه بمرد و قبر او به مُغمس است به راه طائف و حاجیان آن سو چون بدانجا رسند گور او را سنگسار کنند. ابن سیده گوید ابورغال بنده شعیب و عشاری جائر بود. ابوداود در سنن، و بیهقی در دلائل النبوه از ابن عمر روایت کنند، آنگاه که در خدمت رسول به طائف می‌شدیم بر گوری گذشتیم و پیامبر صلوات الله علیه گفت این قبر ابورغال است، وی از قوم ثمود و پدر قبیله ثقیف است، او در حرم و از حُمات حرم بود، آنگاه که عذاب بر قوم ثمود فرود شد او را نیز دریافت و بدینجا مدفون گشت» (دهخدا، ۱۳۶۳: ماده ابو رغال) (نک: ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ق: ۱۱ / ۲۹۱) شاعران عراقی در کنار بیان این رویداد تاریخی، ابو رغال را به عنوان رمزی برای اعرابی که در حمله اشغالگران به عراق دخیل بوده اند و به ملت خود خیانت کرده اند، به کار می‌برند. ابراهیم خزعلی پایان قصیده خود را به اقتباس از قرآن کریم به دعا برای نابودی این شخص و ابرهه حبشی، اختصاص می‌دهد: تَبَا... تَبَا لِأَبِي رِغَالٍ / وَ تَبَا لِبَنِيهِ وَ أَحْفَادِهِ / وَ تَبَا لِأَبْرَهَةَ الْحَبَشِيِّ (خزعلی، همان) یحیی سماوی نیز ضمن دعوت مردم به



جهاد و نابود کردن اشغالگران، به ریشه کن نمودن خائنانی همچون ابورغال فرامی خوانند: باسم الفرات المستباح / وباسم نخلٍ مُثکَلٍ بالسَّعْفِ و العرجون / حتی بات مذبوح الظلال / فاکنس بمجرفة الجهاد الوحل / و استأصل جذور « ابی رغال » / « لا یسلم الشرفُ الرفیع من الأذی » / حتی یُرَالِ الإحتلال / حانت صلاةُ الذودِ / حیَّ علی التزال... علی التزال / علی التزال ( سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۲۹ )

#### ۴.۴. اسلام ستیزی اشغالگران

اشغالگران، بعد از استیلای کامل برعراق درصدد برآمدند تا در برنامه های دینی و درسی این کشور، تغییراتی ایجاد کنند. این مهم از دید شاعران پوشیده نمانده و در برخی از قصاید خود به برنامه و توطئه آمریکایی ها در این زمینه اشاره نموده اند و کوشیده اند تا چهره اسلام ستیز آنها را به تصویر بکشند. طارق حری در قصیده " ابوغریب"، آمریکایی ها را حاملان انجیل های جدید می نامد: « کتاب الاحتلال / کان علیَّ أن أصفع {سلیلی بزئم} کتَاب الاحتلال / الذین أمسوا آمریکیین / أكثر من الأمريکیین أنفسهم ! / حملة الأناجیل الجديدة / مروجی الأكاذیب عن حرية في المنام» (حری، شراع الجنوب، ۲۰۰۴: ۴۰) یحیی سماوی نیز در قصیده " تعاوید"، مردم عراق را به خاطر پذیرش ننگ اشغال سرزمینشان، سرزنش می کند و به آنها نسبت به آینده عراق، انحراف از قرآن و دین اسلام و یهودی سازی شهرهای اسلامی، هشدار می دهد: « این ننگ تو را بس است / این ننگ تو را بس است / ای امت خدا پیاخیز / پیش از آنکه شب خشم و قهر با سیاهی اش باقیمانده روز را فرا گیرد / و قبل از آنکه "قرآن" آمریکایی شود / یا / شهرها، یهودی گردند» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۵۴-۱۵۳) شاعر می کوشد تا با ذکر یهودی سازی شهرها (تهود الامصار) مردم عراق را هوشیار نماید و تجربه تلخ فلسطین و یهودی شدن تدریجی شهرها را، برای ملتش یادآوری کند که مبدا این تجربه در عراق نیز تکرار شود. عبدالفتاح صالح عانی، دیگر شاعر عراقی در قصیده " دیمقراطیه امریکا"، تغییرات ایجاد شده در روش تعلیمات دینی، توسط آمریکایی ها را این گونه تبیین می کند: «ما به گذشتگان چه بگوئیم / آیا از آینده نوادگانتان خبر داشتید

/ {بدانید} در روز روشن، آمریکایی سازی کشورهایتان انجام می گیرد / آنان در پس پرده ستیز و اختلاف امت، وارد خانه ها می شوند / آنان، خواستار حذف بخشی از کتابمان {قرآن} هستند / کتابمان، منشور احمد {ص} / در راستای برنامه های موساد / موسادی که جنایات مرتکب شد آنگاه که / همه برکات و نعمتهای سرزمینمان، عراق را در چنگ گرفت « (عانی، ۲۰۰۴) عبدالفتاح صالح عانی همچون یحیی سماوی هم به اسلام ستیزی آمریکایی ها اشاره می کند و هم به ماجرای اسرائیل و یهودی سازی سرزمین فلسطین. در این راستا، یحیی سماوی در قصیده " اخرجوا من وطنی " ضمن اشاره به اهانت اشغالگران به مقدسات اسلام، تصویر تأثیر گذار و اندوهناکی از جنایات آنها در عراق، ارائه می دهد: « طفل بلا ساقین / و طفلة مشطورة نصفین / وطاعنٌ دون ید / و امرأةٌ مقطوعةُ النهدين / و كوةٌ فی قبةِ الحسین » «جمیعها: / حصادُ طلقتین من دبابةٍ / مرّت بـ « کربلا» / نحيةً لیومِ «عاشورا» (پسر بچه ای بدون پا، دخترکی دو نیم شده و مبتلا به طاعونی بدون دست و زنی با سینه های بریده و شکافی در گنبد امام حسین (ع) همگی محصول شلیک تانکی است در کربلا به خاطر گرامیداشت روزعاشورا» (سماوی، نقوش علی جذع نخلة، ۲۰۰۶: ۱۱-۹)

### نتیجه

بسیاری از شعرای معاصر عراق در فاصله زمانی سال ۲۰۰۳-۲۰۱۰ (از اشغال عراق تاکنون)، اهتمام ویژه ای به موضوع اشغالگری داشته اند. بسیاری از آنان شعر خود را در خدمت مبارزه و لزوم اخراج و عقب نشینی اشغالگران از وطن، دعوت مردم به پایداری، وحدت همه عراقی ها، بازگشت به تاریخ طلایی و درخشان اسلامی، لزوم بهره گیری از آیات قرآن در مبارزه، گرفتند. در این میان شعرای عراقی مهاجر، نقش عمده ای را ایفا نمودند. شعر پایداری این دوره با به کارگیری اسالیب مختلف از جمله رمز، تمثیل، نقاب و...، تا حدودی توانست پرده از چهره واقعی اشغالگری و اهداف واقعی اشغالگران بردارد و سیمای درنده خو و متوحش و خون آشام آنان را به خوانندگان بنمایاند. شعرا در قصایدشان، چپاول منابع نفتی، غارت میراث فرهنگی و

ملی عراق و ستیز با اسلام و آموزه های دینی را از مهم ترین اهداف اشغالگری معرفی کردند.

## منابع و مأخذ

### الف. کتب و مقالات

- قرآن کریم
- ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴) لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، دار صادر.
- حربی، طارق (۲۰۰۴) دیوان شراع الجنوب، الطبعة الاولى، دمشق.
- خرسانی، حسن رحیم (۲۰۰۶) صمتی جمیل یحبُ الکلام، مرکز النور.
- خزعلی، ابراهیم، (۲۰۰۸)، قصیده ابرهه، صحیفه الحوار المتمدن، العدد ۲۲۰۰، ۲۰۰۸/۲/۲۳.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳) لغت نامه، زیر نظر محمد معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- الساعدی، عارف (۲۰۰۹ م). غمرة الماء، الطبعة الاولى بغداد، منشورات الاجتهاد.
- سلمان محمد، ماجدة (۲۰۰۷) تنهدات... نخلة، مرکز النور.
- سلیمان، خالد (۱۳۷۶ هـ. ش) فلسطین و شعر معاصر عرب، ترجمه شهره باقری و عبد الحسین فرزاد، چاپ اول، تهران، انتشارات چشمه.
- سماوی، یحیی (۲۰۰۸ م) البكاء علی کتف الوطن، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونى، التكوين.
- سماوی، یحیی (۲۰۰۸ م) مسیحة من خرز الكلمات، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونى، التكوين.
- سماوی، یحیی (۲۰۰۹ م) شاهدة قبر من رخام الكلمات، الطبعة الاولى، دمشق - حلبونى، التكوين.
- سماوی، یحیی (۲۰۰۶ م) نقوش علی جذع نخلة، الطبعة الاولى، التنفيذ و الطباعة: حسین علی جرادی.
- صدقی، حامد و عبدالله زاده، فواد (۲۰۰۹ / ۱۴۳۰ هـ. ق) القناع و الدلالات الرمزية لـ «عائشة» عند عبد الوهاب الیاتی . مجلة العلوم الانسانية الدولية ، العدد ۱۶ (۳) ۴۵-۵۵،

اشغالگری در شعر امروزین عراق..

- الطبرسی، امین الدین ابو علی الفضل بن الحسن (۱۹۹۵) مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، الطبعة الاولى، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عباس، احسان (۱۹۹۸م) اتجاهات الشعر العربی المعاصر، الكويت، المجلس الوطنی للثقافة و الفنون و الاداب.
- عبیدی ، ودیع، مقدمه ای بر دیوان سقوط مردوخ با عنوان : مدخل الی قصیده الكارثة العراقیة "
- حسن الخرسانی و سقوط مردوخ (۲۰۰۵ م) اثر حسن رحیم خرسانی، چاپ اول، ضفاف.
- غریری، خلیل قاسم (۲۰۰۴م) الغزو المغولی و اثره فی الشعر، دمشق، مجلة جامعة الدمشق، المجلد ۲۰، العدد ( ۲+۱ )
- الفاخوری، حنا (۱۳۸۳) تاریخ الادب العربی ، چاپ سوم، تهران ، انتشارات توس.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵ هـ.ش) آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، تهران، سخن.
- نظری، علی و عزیز، نعمت . ( ۱۳۸۸ ) . (( بازتاب مقاومت در شعر یحیی سماوی )) ، ارائه شده در همایش ملی ادبیات مقاومت در لبنان . رشت : دانشگاه گیلان ۱۴ و ۱۵ آبان ماه ۱۳۸۸ .
- ب). منابع اینترنتی و الکترونیکی:
- ارناؤوط، عبد اللطیف. ( ۲۰۰۷ / ۰۸ / ۱۲ ) . (( الافق نافذتی " لمحات من الشعر الـوطنی " )) .
- <http://www.arabs48.com/display.x?cid=5&sid=84&id=4407>
- ادب : الموسوعة العالمية فی الشعر العربی، وب سایت تخصصی ( آخرین بازنگری ۲۱ ژوئن ۲۰۱۰ )

<http://www.adab.com/modules.php?name=Sh3er&doWhat=ssd&shid=92>

- حربی، طارق، ( ۲۰۰۹ )، وب سایت شخصی، ( آخرین بازنگری ۲۶ سپتامبر ۲۰۰۹ )
- <http://home.chello.no/~harbi/siear.htm>
- حربی، طارق . عشرة فی الحروب و عشرة فی تبه البحر، مركز اعلامی ثقافی فنی مستقل ( النور ) ، وب سایت تخصصی . ( آخرین بازنگری ۳ ژوئن ۲۰۰۹ ) .

<http://www.alnoor.se/article.asp?id=3878>

- دلیمی ، ایاد . ( ۲۰۰۹ / ۴ / ۶ ) . شعراء عراقیون مقاومون من نوع آخر . میدل ایست آنلاین .  
<http://www.middle-east-online.com/?id=25904>
- ساعدی ، عارف . ( ۲۰۱۰ ) . مؤسسه جاززه عبدالعزیز سعود الباطین للابداع الشعری . وب سایت شخصی ( آخرین بازنگری ۲۱ ژانویه ۲۰۱۰ )  
<http://www.albaptainprize.org/Encyclopedia/poet/0806.htm>
- سلمان محمد، ماجده . ( ۲۰۱۰ / ۱ / ۷ ) . ( ( مرکز اعلامی ثقافی فنی مستقل : النور ) )  
<http://www.alnoor.se/author.asp?id=304>
- شعبان، پرزاد. ( ۲۰۰۹ / ۴ / ۱۰ ) هل كفر الشاعر شيركو بيكس عندما قال انا كوردي؟؟، مرکز اعلامی ثقافی فنی مستقل : النور .  
<http://www.alnoor.se/article.asp?id=44996>
- صائغ، عدنان . ( ۲۰۱۰ ) . عدنان الصائغ . وب سایت شخصی ( آخرین بازنگری ۲۱ ژوئن ۲۰۱۰ )  
<http://www.adnansayegh.com/ara/index.asp?DO=BIO>
- صائغ ، عدنان.(۲۰۰۹). ایمیل به مولف، ۲۱/۵/۲۰۰۹ [ از طریق ارتباط های شخصی با نگارندگان ]
- عانی، عبد الفتاح صالح،(۲۰۰۴) قصیده " ديمقراطية امريكا " به نقل از : الدلیمی ، ایاد ، شعراء عراقیون مقاومون من نوع آخر .  
<http://www.middle-east-online.com/?id=25904>.
- العبيدي ، ودیع ، (۲۰۰۶)، ملامح و اتجاهات الادب العراقي في عهد الاحتلال، ديوان العرب : مجلة ادبية ثقافية فكرية اجتماعية.
- فتحي سلطان، طارق. ( ۲۰۰۷ ) . قراءه في اسباب سقوط بغداد على يد المغول عام ۶۵۶ هـ / ۱۲۵۱ م ، مجله الكترونيكي الفسطاط : المجلة التاريخية ، ۲۰۰۷/۱۰/۷ .  
[http://www.fustat.com/I\\_hist/sultan\\_2\\_09.shtml](http://www.fustat.com/I_hist/sultan_2_09.shtml)
- مشهدی رجیبی ، مونا . ( ۲۹ دی ۱۳۸۸ ) . حراج نفت عراق برای کمک به آمریکا، خبرنامه ایران دیپلماسی .  
<http://www.irdiplomacy.ir>
- نجار، محمد (۲۰۰۹)، محمد نجار . وب سایت شخصی . ( آخرین بازنگری ۱ بهمن ۱۳۸۸ ) .  
<http://www.mohamednajar.org/36.html>

## الاحتلال في شعر العراق الحديث من الاحتلال ٢٠٠٣م حتى ٢٠١٠م.

الدكتور على نظرى

استاذ مساعد في اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

الدكتور السيد محمود ميرزائى الحسينى

استاذ مساعد في اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

نعمت عزيزى

ماجستير فى اللغة العربية و آدابها بجامعة لورستان

### الملخص

إن احتلال العراق من قبل القوات التحالف في نيسان (مارس) ٢٠٠٣م ، يعد من أهم الأحداث و الكوارث في القرن الحادى و العشرين. فقد ادى هذا الاحتلال الى تطورات حسيمة في المجالات السياسية، الاجتماعية و الاقتصادية. و انّ الادب لاسيما الشعر في أرض العراق مرآة صافية لتوصيف التدمير و القتل و الجرائم و الكوارث التي سببها الغزاة المحتلون. لقد حاول الشعراء العراقيون في هذه المرحلة ازالة القناع عن الوجه المزيف للقوة المحتلة فكشفوا اللثام عن ديمقراطيتهم المزيفة و اظهروا للشعب العراقي، الاهداف الكامنة الرئيسة التي اخفتها وراء الحرية و الديمقراطية. بناء على ذلك، استخدم الشعراء العراقيون الاساليب المختلفة للوصول الى اهدافهم، منها الرمز و التمثيل فأتخذوا الذئب، رمزا للقتل و سفك الدماء و الخنزير، رمزا للدمار الشامل ، كما أتخذوا الشخصيات التاريخية المشوهة كهولاكو و الابرهة و ابى رغال، تمثيلا تاما للقوة المحتلة في العراق. هذه المقالة تحاول ان تحلل تحليّات الموضوعات المذكورة في شعر العراق الحديث منذ الاحتلال (٢٠٠٣-٢٠١٠)

المفردات الرئيسية: قوات التحالف، شعر العراق الحديث، المحتلّين